

## تأثیر قرابت بر مسؤولیت کیفری در باب حدود

سیدباقر سیدی بنابی<sup>۱</sup>

### چکیده:

پژوهش حاضر با موضوع تأثیر قرابت بر مسؤولیت کیفری در باب حدود می‌باشد که هدف اصلی از نگارش آن تبیین و توضیح همه جانبه مفهوم قرابت و تأثیر آن در حقوق و مسؤولیت کیفری در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی می‌باشد در این گذر اثر مقوله فوق، در قانون جزای شکلی و کیفری به تفکیک بحث و تبیین می‌گردد به صورتی که تمامی مصادیق آن هم در جهت تخفیف مجازات و هم تشدید آن بیان می‌شود و نقاط قوت و ضعف حقوق کیفری در این مسئله در جای خود بیان خواهد شد. در این پژوهش تأثیر قرابت در دو بخش کلی یعنی اثر قرابت در جرایم منصوص و غیر منصوص بررسی می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** قرابت، حقوق کیفری، تخفیف مجازات، معافیت از مجازات، حدود.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، گروه حقوق، بناب، ایران.

**مقدمه:**

در بیشتر ابواب فقهی و قوانین جزایی، چه در حقوق جزای شکلی و چه در حقوق جزای ماهوی، قرابت در اندیشه فقهاء و مقننین اثرگذار بوده و از این حیث ابواب و موادی تدوین یافته است که قرابت مبنا و فلسفه اصلی آن را تشکیل می‌دهد. در حدود شرعی که نوع و مقدار مجازات و تعریف جرم در شرع بیان شده است، قرابت در اساس آن رخنه کرده و باعث ارائه صورت خاصی از یک جرم مستوجب حد می‌شود. قانون‌گذار در جرم زنا که یک جرم با منشأ شرعی است و نوع و کیفیت مجازات آن در شرع بیان شده است، تا حدی از قرابت اثرپذیر بوده که در شرایط خاص جرمی را که مجازات آن صد ضربه شلاق است، تبدیل به مجازات قتل می‌کند ( بند الف و ب ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی) با توجه به موضوع مورد بحث ما که اثر قرابت در مسئولیت کیفری است و از طرف دیگر که مجازات‌های احصاء شده در قانون مجازات به پنج دسته تقسیم شده‌اند، راه صواب را بر آن دیدیم که قرابت و اثر آن را در حدود بررسی کنیم. یادآوری می‌کنیم که در صورت وجود اختلاف نظر بین فقه و حقوق در فرض مسئله، نظر هر کدام را به صورت جداگانه بیان خواهیم کرد ولی اگر اختلافی بین فقه و حقوق نباشد، فقط به بررسی حقوقی بسنده می‌کنیم.

هم چنین در بررسی فقهی مواردی مثل چگونگی اثر قرابت در مسئولیت کیفری در فقه و اوضاع و احوال خاص که قرابت موجب تخفیف یا تشدید مجازات می‌شود و موارد ابهام و اجمال و سکوت فقه در موضوع متنازع فیه و بیان میزان انطباق فقه و حقوق پیرامون قرابت و احکام حاصل از آن، که به طور کلی شامل وجوه اختلاف و اشتراک بین فقه و حقوق در یک مسئله معین و میزان تأثیرپذیری حقوق کیفری از فقه و تبیین تناسب تخفیف و تشدید در فقه امامیه و حقوق کیفری است و سیاست جنائی هر یک از آن‌ها را در فرض مسئله بیان خواهیم کرد.

**۱- قرابت و نقش آن در حدود**

در این مبحث اثر قرابت در جرایم مستوجب حد که حسب مورد سبب تخفیف یا تشدید مجازات مجرم، یا معافیت او از مسئولیت کیفری است را بیان خواهیم کرد. به عبارت دیگر بیان اوضاع و احوالی که قرابت در یک جرم مستوجب حد موثر واقع می‌شود و مسئولیت مرتکب آن را بسته به شرایط موجود تخفیف می‌دهد یا تشدید می‌کند، موضوع بحث ما در این فصل خواهد بود.

**۱-۱- قرابت و نقش آن در جرم زنا****۱-۱-۱- کلیات**

زنا در لغت به معنای فسق، جنده بازی، بی‌عفتی، بغی و فجور آمده است و در اصطلاح فقه و حقوق به جماع و آمیزش نامشروع زن و مرد گفته می‌شود. (لنگرودی، محمدجعفر) که یکی از جرایم مستوجب حد است و با حصول شرایطی، حد جاری می‌شود. ولی این جرم مستوجب حد در فقه و حقوق کیفری دارای کیفیات متعدد می‌باشد که هر کدام از آن‌ها مستوجب یک مجازات خاص است به عبارت دیگر زنا یکی از محرمات دین مبین اسلام می‌باشد و دارای احکام مخصوص

است. در موارد خاص جهات تخفیف و تشدید آن در فقه بیان شده است ولی باید توجه داشت که دادگاه در مورد تخفیف یا تشدید مجازات اختیاری ندارد و باید همان مجازات قانونی را اعمال کند و حتی وجود چنین اختیاری برای قانونگذار عادی نیز محل تردید است. آنچه در قانون مجازات اسلامی در مورد زنا بیان شده است جنبه‌های حقوقی آن می‌باشد اما دین مبین اسلام نگاهی فراتر به جرم زنا دارد و بسیار آن را تقبیح کرده است و علاوه بر مجازات‌های مزبور، مجازات‌های اخروی و آثار وضعی فراوانی نیز برای آن بیان نموده است. زشتی زنا تنها جنبه‌ی دینی و اسلامی ندارد، بلکه عقل و اخلاق و عرف نیز این عمل را ناپسند می‌داند. احکامی که شرع مقدس اسلام برای زنا برقرار کرده است معمولاً احکام تأسیسی نیست، بلکه قبل از اسلام نیز برای زنا مجازات برقرار شده بود. اسلام فقط آن جرم را به انواع مختلف تقسیم کرد و بسته به شرایط و خصوصیات مرتکبین، حکم و مجازات هر کدام را به تفصیل بیان نمود. آیات و روایات بسیاری در تقبیح این عمل آورده شده است.<sup>۲</sup>

از جمله‌ی آن موارد، که شارع اسلام آن را احصاء نموده و مجازات قتل برای آن پیش‌بینی کرده است، زنا با محارم نسبی و زنا با زن پدر می‌باشد که موجب قتل زانی است. ( ماده ۸۲ ق. م. ا) خداوند قرابت و مودت و رأفت حاصل از آن را برای آرامش و امنیت خاطر انسان در میان آن‌ها قرار داده است. اثر قرابت در خانواده و در میان خویشاوندان به‌زعم دین و حقوق کیفری اسلام، تحکیم بنیان خانواده و دفع جرایم علیه مبانی و پایه‌های آن است و هرگونه جرم و عملی را که به اساس خانواده لطمه وارد آورد و آن را متزلزل سازد را به شدت هر چه تمام‌تر مجازات می‌کند. بنابراین هر کس با محرم نسبی خود زنا کند، به علت زشتی و قباح هرچه بیشتر این عمل، جوان باشد یا غیر جوان، محصن باشد یا غیر محصن به قتل محکوم می‌شود. با توجه به متن ماده ۸۲ ق. م. ا به راحتی می‌توان فهمید که وجود قرابت بین مرتکبین این جرم و اثر آن در اندیشه قانونگذار در مسیر حفظ و صیانت بنیان خانواده، باعث می‌شود مجازات جرمی که در شرایط عادی شاید صد ضربه شلاق بود تبدیل به مجازات قتل شود. بنابراین وجود قرابت بین مرتکبین این جرم، هر چند جوان باشند و غیر محصن، تا حدی مجازات آن‌ها را تشدید می‌کند که اشد مجازات یعنی قتل را استحقاق آن‌ها می‌نماید.

هم‌چنین طبق بند ۲ ماده ۸۲ ق. م. ا زنا با زن پدر نیز موجب قتل زانی است. به نظر می‌رسد وجود قرابت بین پدر و فرزند و منزلت خاص پدر و شان و احترام او و اینکه پدر علت وجودی فرزند است، دلیل ایراد حکم بند ۲ ماده ۸۲ ق. م. ا است که بعداً مستند آن را بیان خواهیم کرد.

#### ۱-۱-۲- محرمات نسبی از دیدگاه فقه و حقوق

ماده «۱۰۴۵» قانون مدنی محارم نسبی را چنین بر شمرده است: «پدر، اجداد، مادر، جدات، اولاد هر قدر که پایین رود، برادر، خواهر، اولاد برادر، خواهر هر قدر که پایین‌تر رود. عمه، خاله و عمه و خاله‌ی پدری و مادری و اجداد و جدات.» بنابراین وقتی افراد از راه مشروع با همدیگر خویشاوندی نسبی داشته باشند در شمول بند الف ماده ۸۲ ق. م. ا نسبت به آن‌ها بحثی نیست و اگر بین آن‌ها رابطه‌ی نامشروع باشد و به عمل شنیع منجر شود مجازات آن‌ها قتل است و تفاوتی ندارد که

<sup>۱</sup> آیه ۲۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ سوره بقره و آیه ۲۸ سوره اعراف و آیه ۹۰ سوره نحل و آیه ۳۲ سوره اسراء، آیه ۱۹ سوره نور، آیه ۱ سوره طلاق. و احادیث زیادی نیز در باب زشتی و حرمت این عمل آمده است. به‌عنوان نمونه: امام کاظم (ع) فرمودند: «از زنا بهره‌ی روزی را از بین می‌برد و دین را نابود می‌سازد» و امام صادق (ع) فرمود: «فرزندم زنا نکن زیرا اگر پرنده هم زنا کند پرهایش فرو می‌ریزد».

جوان و غیر جوان یا محصن یا غیر محصن باشند. صرف وجود قرابت نسبی بین آنها و جوب اعمال مجازات قتل را تصدیق می‌کند.

### ۱-۱-۳- طرح یک سوال

آیا محارم رضاعی نسبی، محارم از راه زنا و محارم از راه شبهه داخل در محارم نسبی مورد حکم ماده ۸۲ ق.م.ا است یا خیر؟

#### ۱-۱-۳-۱- حکم محرم نسبی رضاعی

قرابت نسبی از راه شیر خوردن نیز حاصل می‌شود، مانند دختر و پسری که از شیر یک زن خورده باشند و خواهر و برادر رضاعی همدیگر محسوب شوند و میان آن پسر و آن زن نیز رابطه‌ی مادر و فرزندی به وجود می‌آید. ممکن است گفته شود ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی که می‌گوید: «قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است» و همچنین روایت نبوی «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» اطلاق در داخل بودن محرم رضاعی در محارم نسبی مورد حکم بند الف ماده ۸۲ ق.م.ا دارد، پس زنا با محرم رضاعی نیز مجازات قتل را خواهد داشت. اما باید توجه داشت که قیاس در قوانین کیفری غیر مجاز بوده و خطرناک است و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم و قاعده‌ی احتیاط در خون‌ها اقتضاء دارد که به قدر متیقن اکتفا کنیم. همانطوری که قول مشهور فقها نیز منطبق با این استدلال است، ولی مرحوم شیخ طوسی برخلاف نظر مشهور فتوا داده است و ظاهراً مستند ایشان روایت نبوی «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» است. در این روایت کلیه احکام محارم نسبی به محارم رضاعی نیز تسری داده شده است. مرحوم شهید ثانی هم به نظر شیخ طوسی تمایل پیدا کرده است، «الحاق محرم رضاعی به محرم نسبی نیکوست. زیرا در روایت، بسیاری از احکام محرم رضاعی به محرم نسبی تسری داده شده است» (زراعت، ۱۳۸۰، ص ۶۳) و «محرم رضاعی در بسیاری از احکام به محرم نسبی الحاق می‌شود اما کسی را نیافتم بدان فتوا داده باشد اگرچه روایات باب آن را شامل می‌شود ولی در روایات حکم به محرم تعلق گرفته و محرم اعم از نسبی و رضاعی است». (شیروانی، ۱۳۷۶، ص ۴۳)

#### ۱-۱-۳-۲- حکم محرم از راه زنا

اگر طفلی که از راه زنا متولد شده است و از این حیث محرم با پدر و مادر است، با مادر خود مرتکب زنا شود آیا حکم بند الف ماده ۸۲ به آن اعمال می‌شود یا خیر؟ در جواب باید گفت هرچند ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی، این مورد را از نظر حرمت نکاح در حکم محارم نسبی دانسته است ولی باز هم احتیاط در خون‌ها و اصل تفسیر مضیق قوانین جزائی اقتضاء دارد و ولد الزنا را نیز داخل در حکم ماده ۸۲ ندانیم.

#### ۱-۱-۳-۳- حکم محرم از راه شبهه

در رابطه شبهه که دو طرف یا یکی از آن دو گمان می‌کنند رابطه‌ی آنان مشروع است، همان ابهام زنا وجود دارد یعنی اگر دو نفر که از راه شبهه رابطه‌ی خویشاوندی دارند مرتکب زنا شوند آیا مشمول ماده ۸۲ ق.م.ا است یا خیر؟ از دیدگاه قانون‌گذار و فقه اسلامی رابطه‌ی شبهه، رابطه‌ای مشروع به حساب می‌آید و از این جهت شاید احتمال الحاق محارم از راه

شبهه به ماده ۸۲ ق.م.ا تقویت گرد ولی راه ثواب آن است که باز هم با عنایت به قاعده احتیاط در خون‌ها و اصل تفسیر مضیق و تفسیر به نفع متهم قوانین جزائی محارم از راه شبهه را نیز داخل محارم مورد حکم ماده ۸۲ ق.م.ا ندانیم. و به قدر متیقن مصرح در صدر ماده ۸۲ ق.م.ا اکتفا کنیم.

#### ۱-۱-۴- عنصر فقهی و قانونی

##### ۱-۱-۴-۱- عنصر قانونی زنا با محارم نسبی

زنا با محارم نسبی که به واسطه وجود قرابت بین مرتکبین، زانی به قتل محکوم می‌شود در بند ۱ ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و فقط شامل محارم احصاء شده در ماده «۱۰۴۵» قانون مدنی می‌باشد و محارم رضاعی نسبی و محارم از راه زنا و محارم از راه شبهه را شامل نمی‌شود.

##### ۱-۱-۴-۲- عنصر فقهی زنا با محارم نسبی

در فقه اسلامی برای زنا با محارم نسبی مجازات زدن با شمشیر پیش بینی شده است و روایات زیادی در مورد زنا با محارم نسبی و مجازات قتل برای آن وجود دارد. در زیر به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱- امام صادق (ع) فرمود: «مردی که با محرم خود زنا کند با شمشیر زده می‌شود تا هر جا که شمشیر قطع کند. همچنین اگر زن نیز با رضایت این کار را کرده باشد با شمشیر زده می‌شود تا هر جا که شمشیر پیش برود».

۲- جمیل گوید از امام صادق (ع) سوال کردم چه قسمتی از بدن مردی که با محارم خود زنا می‌کند با شمشیر زده می‌شود؟ امام فرمود: «گردن او با شمشیر زده می‌شود».

۳- در مورد مردی که با خواهر خود زنا کرده بود از امام صادق (ع) پرسیدند، امام فرمود: «با شمشیر زده می‌شود.» از امام پرسیدند اگر کشته نشود تکلیف چیست؟ امام فرمود: «حبس ابد می‌شود تا بمیرد».

۴- امام صادق (ع) فرمود: «هر گاه کسی با محرم خود زنا کند محکوم به حد زنا می‌شود جزا اینکه گناه او بزرگ‌تر است» این روایت اشاره‌ای به قتل ندارد فقط حد زنا را بیان کرده و حد زنا نیز معمولاً منصرف به سنگسار می‌باشد و به همین جهت برخی از فقها، مجازات زنا با محارم را سنگسار دانسته‌اند.

۵- امام سجاد (ع) درباره‌ی مردی که با خواهرش زنا کرده بود فرمود: «با شمشیر ضربه‌ای به او زده می‌شود تا هر جا که قطع کند. پس اگر مضروب زنده بماند حبس ابد می‌شود تا بمیرد». (حر عاملی، ص ۳۸۵ به بعد).

مجازات قتل اشد مجازات برای جرم زنا است. و زشتی و قباحت هر چه بیشتر این عمل شنیع باعث شده است که قانون‌گذار اسلام زنا با محرم نسبی را با عقوبت بسیار شدید یعنی مرگ مجازات نماید (اثر قرابت بر مسئولیت کیفری در این جرم به صورت تشدید مجازات است) علت تشدید مجازات زنا با محارم علاوه بر قباحت ذاتی عمل، و زشتی دو چندان آن، از بین رفتن غیرت و روحیه تعصب در خانواده‌ها است و همچنین در این صورت محارم به جای نگاه قومیت با هوسرانی به یکدیگر می‌نگرند.

### ۱-۱-۵- مجازات زنا با محارم نسبی

حرمت و احکام زنا با محارم نسبی در حقوق کیفری، بی‌کم و کاست مستنبط از فقه امامیه است. اینکه مجازات زنا با محارم نسبی قتل است مورد اتفاق اکثریت فقها است مگر چند نفر، مثل شیخ طوسی که معتقد است: مجازات زنا با محارم به صورت مطلق، مجازات زنا است و نوع مجازات را مشخص نکرده است. بنابراین اطلاق روایات شامل قتل با شمشیر و سنگسار خواهد شد و قانون کیفری نیز آن را در ماده ۸۲ ق.م.ا بیان کرده است. بنابراین:

#### ۱-۱-۵-۱- مجازات زنا با محارم در قانون

همان مورد پیش‌بینی شده در قانون (م ۸۲ ق.م.ا) یعنی قتل است.

#### ۱-۱-۵-۲- مجازات زنا با محارم در فقه

با توجه به روایات مختلف، اکثر قریب به اتفاق فقها معتقدند که زانی با محرم نسبی، با شمشیر زده می‌شود تا هر جا که شمشیر پیش برود. اگر کشته نشود، او را حبس می‌کند تا بمیرد.

#### ۱-۱-۵-۳- کیفیت قتل در قانون و فقه

در قانون مجازات اسلامی (م ۸۲) قتل به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی بیان شده است. بنابراین از این ماده چنین استنباط می‌شود که لازم نیست قتل با شمشیر صورت گیرد بلکه به طریقه‌ی متداول اعدام، که همان حلق آویز کردن و خفه کردن و کشتن با جریان برق، دار و تیر باران و ... است، قتل محقق می‌شود.

بنابراین برابر نظر حقوق کیفری نیازی نیست زانی با شمشیر زده شود بلکه قتل به شیوه‌های فوق کفایت می‌کند. ولی در فقه اسلام تمام مشهور فقها به غیر از چند نفر معدود (مثل شیخ طوسی) معتقدند که زانی با شمشیر زده می‌شود تا هر جا که پیش برود، اگر جانی به قتل رسید که حد او اجرا شده است در غیر این صورت، حبس دائم می‌شود تا بمیرد. بنابراین با توجه به روایات موجود در این باب، حد این جرم زدن با شمشیر است نه قتل با شمشیر<sup>۳</sup> هر چند منتهی به قتل نشود که در این صورت حبس ابد تا مرگ مجازات او خواهد بود.

شهید ثانی آلات مانند شمشیر را نیز مثل شمشیر می‌داند و معتقد است که برای اجرای حد آلات شبیه به شمشیر مثل [خنجر و چاقوی بزرگ] نیز کفایت می‌کنند. « اول: کشتن با شمشیر و مانند آن مثل خنجر و چاقوی بزرگ و آن حد کسی است که با محرم نسبی خود از زنان زنا کند، مانند مادر و خواهر و عمه و خاله و برادر زاده و خواهر زاده». (شیروانی، پیشین، ص ۴۲ و زراعت، پیشین، ص ۱۲۲)

#### ۱-۱-۶- زنا با زن پدر

که موجب قتل زانی است. به نظر می‌رسد وجود قرابت و رابطه‌ی پدر و پسری و لزوم احترام پدر و منزلت خاص او نسبت به فرزند علت این حکم باشد (شهید ثانی نیز در شرح لمعه بر همین عقیده است.) همه فقها بر این قول اتفاق نظر

۱. از امام صادق (ع) پرسیدند: اگر بعد از زدن با شمشیر زانی نمیرد، تکلیف چیست؟ امام فرمود: «حبس ابد می‌شود تا بمیرد» امام سجاد (ع) نیز درباره‌ی مردی که با خواهر خود زنا کرده بود، همان حکم را دارد.

دارند که زنا با محارم نسبی، موجب قتل زانی است و در محارم سببی نیز همین یک مورد یعنی زنا با زن پدر را پذیرفته‌اند که مجازات آن قتل با شمشیر است.

### ۱-۱-۶-۱-۱- مستند قانونی و فقهی آن

قانون‌گذار در بند ب ماده ۸۲ ق.م.ا زنا با زن پدر را موجب قتل زانی می‌داند. در فقه اسلامی نیز در مجازات قتل زانی با زن پدر اتفاق نظر وجود دارد و دلیل آن‌ها روایتی از امام باقر (ع) است که فرمود: «مردی را نزد حضرت علی (ع) آوردند که با زن پدر خود زنا کرده بود، حضرت آن مورد را سنگسار کرد در حالی که غیر محصن بود». (زراعت، پیشین، ص ۱۳۴، حر عاملی، ص ۳۸۷)

باید توجه داشت که حکم بند ب ماده ۸۲ ق.م.ا حصری است و تمثیلی نمی‌باشد یعنی شامل زناي مرد با زن پسر خود و زناي دختر با شوهر مادرش نمی‌باشد.

و فقط به موضوع خود که زنا با زن پدر است اکتفا می‌شود. هم‌چنین لازم به ذکر است که رضایت زوجه پدر به زنا موجب قتل او نمی‌شود و مجازات دیگری غیر از قتل بر او اعمال می‌شود. همچنانکه اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و قاعده‌ی احتیاط در خون‌ها اقتضاء دارد. پس نتیجه می‌گیریم که در ماده ۸۲ عامل اصلی تشدید مجازات وجود قرابت بین مرتکبین موضوع این ماده است که زشتی عمل شنیع را چندین برابر می‌کند و غیرت را نابود می‌سازد و کیان خانواده را متزلزل می‌کند در این مورد بین فقه و حقوق اختلاف نظری وجود ندارد.

### ۱-۲- قرابت و اثر آن در سرقت مستوجب حد

یکی دیگر از جرایمی که قرابت در آن موثر در مسئولیت کیفری مرتکب است سرقت مستوجب حد می‌باشد. ماهیت سرقت به‌گونه‌ای است که باید بر شرایط و اوضاع و احوال خاص حاکم بر آن نگریسته شود، و بعد نسبت به تعیین مجازات و اعمال تعزیر یا حد اقدام شود. بنابراین صرف اینکه کسی مال یک شخص دیگر را سرقت کند محکوم به حد یا تعزیر نمی‌شود بلکه باید مال سرقت شده و موقعیت و شخصیت سارق و زمان و مکان سرقت را مد نظر داشته باشیم و بعد از آن نسبت به اعمال حد یا تعزیر برای سارق اقدام کنیم. قانون‌گذار در ماده ۱۹۸ ق.م.ا به این مهم توجه ویژه‌ای داشته است و اهتمام خاصی با تدوین بندهای ۱۶ گانه در این ماده نسبت به آن ورزیده است. قانون‌گذار نسبت به سرقت مستوجب حد، حساسیت زیادی نشان داده و هم در شرایط آن، که اگر یکی از آن‌ها محقق نشود یا شبهه‌ای نسبت به آن وجود داشته باشد حد ساقط خواهد شد و هم در راه‌های ثبوت سرقت مستوجب حد، و هم‌چنین در شرایط اجرای حد سخت‌گیری منحصر به فردی کرده است به طوری که در هیچ یک از جرایم مستوجب حد این چنین شرایط سخت‌گیرانه‌ای دیده نمی‌شود. یکی از آن شرایط که متون فقه جزایی و قانون کیفری در بند ۱۱ ماده ۱۹۸ ق.م.ا بیان کرده است، شرط پدر نبودن سارق است. به عبارت دیگر وقتی پدر مال فرزند خویش را سرقت کند علاوه بر اینکه حد قطع ید بر او جاری نمی‌شود؛ بلکه این مورد می‌تواند عامل مخففه‌ای در اعمال مجازات تعزیری برای سارق که همان پدر صاحب مال است باشد البته دلیل این امر در

بندهای بعدی بررسی خواهد شد. بنابراین وجود قرابت بین مجرم و مجنی علیه در سرقت که دارای مجازات حد و تعزیر است، موثر در مسئولیت کیفری می‌باشد. پس در این باب قرابت موثر در مسئولیت کیفری و در جهت تخفیف مجازات است.

### ۱-۲-۱- مانعیت ابوت در شمول حکم حد سرقت

قانون‌گذار در بند ۱۱ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی تاکید می‌کند که یکی از شرایط ثبوت حد سرقت آن است که سارق پدر صاحب مال نباشد. بنابراین ابوت مانع ثبوت و اعمال مجازات حد قطع ید خواهد شد.

#### ۱-۱-۲-۱- مبنای فقهی و قانونی

قانون‌گذار به تبعیت از فقه جزایی اسلام که منطبق با فتاوی مشهور فقهای شیعه است پدر بودن سارق نسبت به صاحب مال را مانع اجرای حد می‌داند. در فقه جزایی مستند این حکم عبارتند از:

**قیاس اولویت:** فقها علاوه بر استناد به روایاتی که وجود دارد، این حکم را از راه قیاس اولویت با عدم مکان قصاص پدر به خاطر قتل فرزند به دست آورده‌اند. یعنی وقتی نتوانیم پدر را به خاطر قتل و جرح فرزند خویش قصاص نمائیم به طریق اولی نمی‌توانیم او را در صورت سرقت از مال فرزند خویش به حد قطع ید که مجازات سرقت حدی است محکوم کنیم.

**روایات:** «محمد بن مسلم گوید: از امام صادق(ع) در مورد شخصی سوال کردم که نیاز به مال فرزندش پیدا می‌کند. امام فرمود: «تا آنجا که اسراف نکند می‌تواند از مال فرزندش مصرف کند.» در کتاب امام(ع) آمده است که فرزند باید با اجازه پدر از مال او بردارد ولی پدر هرچه بخواهد می‌تواند از مال فرزندش بردارد و حتی می‌تواند با جاریه فرزندش نزدیکی کند به شرط آن که فرزندش با او نزدیکی نکرده باشد. بنابراین طبق فرمایش امام علی(ع) پدر اجازه دارد تا به اندازه‌ای که نیاز دارد مال فرزندش را مصرف کند و در این خصوص پدر اذن به اباحه دارد.» (حر عاملی، پیشین، باب ۷۸)

همچنین روایت دیگر که مبنای اصلی این حکم در فتوای فقهاست، روایت منسوب به پیامبر گرامی اسلام است که می‌فرماید: «انت و مالک لایبک» یعنی تو و مالت متعلق به پدرت می‌باشید که اطلاق در اباحه استفاده پدر از مال فرزند به اندازه‌ی نیازش دارد. هر چند روایت‌هایی بر خلاف این ادعا نقل شده است. مثل روایت ابن‌سنان که می‌گوید: از امام صادق(ع) سوال کردم که چقدر از اموال فرزند برای پدر مباح است امام فرمود: «اگر فرزند نفقه‌ی پدر را به مقدار مناسب می‌دهد، پدر نمی‌تواند از اموال او چیزی بردارد.» (حر عاملی، پیشین، حدیث ۲) البته بعضی از فقها مثل ابن‌ثور به دلیل عموم آیه سرقت(آیه ۳۸ سوره مائده، «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا») پدر را به دلیل سرقت از مال فرزندش، مستحق حد قطع ید می‌دانند. (فتحی بهشتی، ۱۹۸۰م، ص ۲۰) ولی اکثر فقهای مشهور امامیه، پدر را با استناد به روایت مذکور مستحق حد نمی‌دانند. بعضی از فقهای عامه سرقت فرزند از مال پدر و برعکس آن را به دلیل شبهه‌ای که برای هریک در مال دیگری وجود دارد موجب حد نمی‌دانند (مثل ابوحنفیه و شافعی). (فتحی، پیشین، صص ۲۹-۳۰)



### ۱-۲-۲- شمول حکم به جد پدری

مشهور فقهای امامیه و بیشتر حقوق دانان، جد پدری را ملحق به پدر می‌دانند و در صورت سرقت جد پدری از مال نوه او را مستحق قطع ید نمی‌دانند.

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله معتقد است که جد پدری نیز در صورت سرقت از مال فرزند خود معاف از مجازات حد است و به پدر الحاق می‌شود. (آیت... خمینی، ص ۵۲۱) آقای دکتر حسین میر محمد صادقی در این باره می‌گوید: «به موجب «قانون اساسی»، فقه جعفری از منابع اصلی حقوق ایران می‌باشد و مطابق اصل ۱۶۷ «قانون اساسی» جمهوری اسلامی ایران و ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، هر گاه قاضی حکم صریح قضیه‌ای را در قوانین مدون نیابد باید به منابع فقهی معتبر مراجعه و بر اساس آن‌ها حکم کند و شمول حکم معافیت از حد سرقت به «آب وان علاء» یعنی پدر بلافصل و پدر مع‌الفصل، نه تنها نظر مشهور در فقه شیعه است و حتی در مسالک ادعای اجماع به آن شده است. بنابراین پیروی از این نظریه و با توجه به اصل تفسیر به نفع متهم قوانین جزایی، می‌توان اجداد پدر را نیز مشمول این معافیت دانست.» (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵) شهید ثانی در شرح لمعه بر این عقیده است.

«کسی که از مال فرزندش سرقت کرده است؛ اگر چه نوه یا پایین تر از آن باشد، دستش بریده نمی‌شود.» (صادقی، پیشین، ص ۲۵۵)

بنابراین در حقوق کیفری، برابر نظر دکترین، در فقه جزائی با استناد به روایات و دلایلی که بیان شد سرقت پدر طبق فتوای فقها از مال فرزند موجب حد قطع ید نیست و جد پدری نیز ملحق به پدر می‌باشد.

به نظر می‌رسد دکتر گلدوزیان در باب سرقت، جد پدری را ملحق به پدر نمی‌داند ظاهراً بند ۱۱ ماده ۱۹۸ دلیل این نظر است که فقط پدر را در صورت سرقت از مال فرزندش معاف از مجازات قطع ید می‌داند. ولی ایشان در قتل با توجه به ظاهر ماده ۲۲۰ ق.م.ا.ج پدری را نیز ملحق به پدر می‌داند. (گلدوزیان، ۱۳۹۰، ص ۴۵۹) اما بیشتر قریب به اتفاق حقوق دانان جد پدری را در این باب ملحق به پدر می‌دانند.

### ۱-۲-۳- عدم شمول حکم به مادر و سایر اقارب

#### ۱-۳-۲-۱- عدم شمول حکم به مادر

در فقه شیعه اکثریت فقها بی‌تردید مادر را از شمول این حکم خارج کرده‌اند. یعنی مادر در سرقت از مال فرزند خویش مثل سایر افراد می‌باشد و در صورت اثبات، و دارا بودن سایر شرایط به مجازات قطع ید محکوم می‌شود. بنابراین جاری نشدن حد بر پدر به خاطر سرقت از مال فرزند یک استثنا بر اصل و تخصیص عموم آیه ۳۸ سوره مائده «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» می‌باشد. بنابراین نمی‌توان حکم آن را به مادر نیز تسری داد. ولی فقهای عامه مادر را نیز معاف از حد می‌دانند و معتقدند که مادر نیز یکی از ابویین به حساب می‌آید و در احترام با پدر شریک است.

هم‌چنین به نظر فقهای اهل سنت فرزند نیز در صورت سرقت از مال پدر و مادر یا سایر اقارب خود از مجازات قطع ید معاف است. فقهای حنفی و شافعی و حنبلی بر این عقیده‌اند که سرقت والدین از مال فرزند، هر چقدر پایین برود و

سرقت فرزند از مال والدین، هر چه قدر بالا برود موجب حد نیست زیرا برای هر یک در مال دیگری شبهه وجود دارد. مالک نیز پدر و اجداد ابی و امی و مادر را در صورتی که از مال فرزند خویش سرقت کنند، موجب حد نمی‌داند. از میان فقهای شیعه فقط ابوالصلاح مادر را به پدر ملحق دانسته است. (شیروانی، پیشین، ص ۱۹۶) برخی دیگر از فقها با بی‌اساس دانستن نظر آن دسته از افراد که مادر و فرزند و جد امی و جده ابی و امی را ملحق به پدر می‌دانند معتقدند که الحاق مادر به پدر جز استحسان چیزی نیست و مغایر با اصول شیعه است که چنین الحاقی را موجب تضييع حق الله تبارک و تعالی، که مقتضی عموم ادله است می‌داند. (زراعت، ۱۳۸۰، ص ۲۲۲ و حر عاملی، باب ۱۸)

### ۱-۲-۳-۲- عدم شمول حکم به سایر اقارب

قانون کیفری و فقهای شیعه و دکترین حقوق در بحث سرقت مستوجب حد فقط پدر و جد پدری را معاف از مجازات قطع ید می‌دانند. و مادر و سایر اقارب را در ردیف افراد عادی دانسته و هر کدام از آنها را در صورت سرقت از مال اقارب خود، مستحق حد می‌دانند هر چند روایت مخالفی در این زمینه از امام باقر (ع) نقل می‌شود. «ابوبصیر گوید از امام باقر (ع) درباره رفیقانی سوال کردم که در سفر اموال یکدیگر را سرقت می‌کنند. امام فرمود: «اینها خائن هستند و دست ایشان قطع نمی‌شود. هم چنین فرزند از منزل پدرش مالی بردارد دستش قطع نمی‌شود زیرا ممنوعیتی برای وارد شدن فرزند به منزل پدر وجود ندارد و این شخص خائن است. هم چنین است اگر برادر از منزل برادر یا خواهرش چیزی بردارد به شرط آنکه محدودیتی برای داخل شدن به منزل آنان برایشان وجود نداشته باشد» (زراعت، پیشین، همان) مرحوم شیخ طوسی در این زمینه می‌فرماید اقربایی که از خط عمودین خارج می‌شوند مانند عموها، عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌ها در این حکم مانند بیگانگان هستند. و گروهی نیز می‌گویند اگر میان سارق و مال باخته رابطه نسبی وجود داشته باشد حد سرقت ساقط می‌شود مثل عموها و عمه‌ها و... برخلاف فقهای شیعه، فقهای اهل سنت مادر و سایر اقربا را ملحق به پدر می‌دانند. فقهای حنفی و شافعی و حنبلی بر این عقیده‌اند که سرقت بقیه اقربا، مثل فرزندان در صورت سرقت از مال پدر و مادر و اقربای نسبی، از مجازات معاف هستند. دلیل آن‌ها آیه قرآنی است که می‌فرماید: «وَلَا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ أَيْمَانُهُمْ أَوْ صَدِيقِكُمْ» (سوره نور، آیه ۶۱) هم‌چنین به یک حدیث قدسی دیگری نیز استناد می‌کنند که عبارتست از «قال الله عز وجل انا الله و انا الرحمن خَلَقْتُ الرَّحْمَ وَ شَفَقْتُ لَهَا اسْمَا مِنْ اسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتَهُ وَ مَنْ قَطَعَهَا قَطَعْتَهُ» در مورد سرقت زن و شوهر از مال یکدیگر فقهای حنفی معتقدند که حد جاری نمی‌شود ولی فقهای شافعی، مالکی و حنبلی معتقدند اگر سرقت از حزر باشد حد ثابت است ولی اگر از منزل مشترک باشد حد ثابت نمی‌شود. (زراعت، پیشین، ص ۲۲۳)

### ۱-۲-۴- نقش قرابت

با توجه به مباحث فوق، سرقت حدی نیز یکی از انواع جرایم احصاء شده در فقه و حقوق کیفری است که قرابت در آن موثر در مسئولیت کیفری است و در صورت حدوث شرایط گفته شده در فقه و حقوق کیفری مرتکب از مجازات قطع ید معاف است. در فقه شیعه مشمول این حکم فقط پدر و جد پدری است و شامل مادر و سایر اقارب نمی‌شود. هر چند مادر نیز

از والدین بوده و در منزلت و احترام با پدر یکسان می‌باشد. همانطور که گذشت فقهای عامه مادر و سایر اقارب را در معافیت از مجازات قطع ید در صورت سرقت از مال اقارب ملحق به پدر می‌دانند.

### ۱-۳-۳- قرابت و اثر آن در حد قذف

#### ۱-۳-۳-۱- معنای قذف

قذف در لغت به معنای پرتاب کردن چیزی است و نسبت دادن زنا یا لواط را از این جهت قذف نامیده‌اند که نسبت‌دهنده نسبت ناروایی را به دیگری پرتاب می‌کند. (زراعت، منبع پیشین، ص ۲۹۷)

بنابراین قذف وقتی محقق می‌شود که شخصی عمل زنا یا لواط را به دیگری نسبت دهد. قذف نوعی دشنام است که باعث آزار و اذیت مخاطب می‌شود. دین اسلام برای انسان ارزش و حرمت والایی قائل است و به شدت با این جرم که موجب هتک حرمت و حیثیت دیگران می‌شود برخورد نموده و برای آن مجازات دنیوی و اخروی خاصی در نظر گرفته است. مجازات دنیوی قذف همان حد آن می‌باشد که هشتاد ضربه شلاق است و مجازات اخروی آن به واسطه‌ی حرمت آن عمل در این دنیا می‌باشد.

#### ۱-۳-۳-۲- عنصر فقهی و قانونی

قانون‌گذار در ماده ۱۳۹ تا ۱۶۴ ق.م.ا احکام قذف و مجازات آن را بیان کرده است که مستنبط از فقه شیعی می‌باشد. در فقه شیعه قذف و حد و حرمت این عمل مستند به روایات گوناگون از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

امام باقر (ع) می‌فرماید: «زنی نزد پیامبر (ص) آمده به او گفت: ای رسول خدا، من به کنیز خود گفته‌ام که تو زنا کار هستی. پیامبر فرمود: آیا دیدی که او زنا می‌کند؟ آن زن پاسخ منفی داد. پیامبر فرمود: این کنیز در روز قیامت از تو قصاص می‌کند. پس آن زن نزد کنیز خود رفت و تازیانه‌ای به او داد و به او گفت که مرا بزنی، اما کنیز خودداری کرد و آن زن کنیزش را آزاد کرد.»

امام رضا (ع) فرمود: «خداوند قذف زنان پاکدامن را ممنوع کرد زیرا قذف موجب فساد انساب و نفی ولد و باطل شدن ارث‌ها و ترک تربیت و از بین رفتن معارف و ایجاد گناهان کبیره می‌شود و عوامل فساد اخلاق را به وجود می‌آورد.»

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر کس مرد یا زن پاکدامنی را قذف کند، خداوند اعمال او را پاک می‌کند و در روز قیامت هفتاد هزار ملک از اطراف به قاذف تازیانه می‌زنند سپس به او دستور داده می‌شود که وارد آتش گردد.»

ارزش و احترام انسان و حفظ حرمت او در دین اسلام به قدری است که علاوه بر قذف، فحاشی و هتاک نیز شدیداً منع شده است. قذف غیر مسلمان نیز در دین اسلام و روایات مختلف نهی شده است به عنوان نمونه «ابوالحسن حذاء گوید:» نزد امام صادق (ع) بودم که شخصی در مورد یکی از حاضران از من سوال کرد و من گفتم او فرزند زن زنا کار است امام صادق (ع) نگاه تندی به من کرد، به او گفتم: فدایت گردم آن مجوسی است و مادرش، خواهرش می‌باشد. امام فرمود: «آیا چنین چیزی در دین آن‌ها نکاح محسوب نمی‌شود؟» (حرعاملی، پیشین، ص ۴۳۲)

### ۱-۳-۳-۳- معافیت پدر و جد پدری از مجازات

برابر ماده ۱۳۹ق.م.ا و فتوای فقهای شیعه و اهل سنت نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری جرم مستوجب حد شرعی است که طبق ماده ۱۴۰ق.م.ا مجازات آن هشتاد ضربه تازیانه است. ولی بازهم در این جرم مستوجب حد، شان و منزلت پدر و لزوم بزرگداشت و تکریم او، به سبب وجود رابطه‌ی پدر و فرزندگی بین آنها موجب معافیت پدر و جد پدری از مجازات هشتاد ضربه تازیانه می‌شود.

یعنی اگر پدر یا جد پدری فرزند خویش را قذف کند مجازات حد از او ساقط می‌شود. ولی ممکن است به سبب اینکه فرزند از قذف و دشنام پدر و جد پدری اذیت و آزار شده باشد، آنها به صلاح دید حاکم تعزیر شوند.

#### ۱-۳-۳-۱- مبنای فقهی

اگر خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند و اعمال شنیع موجب حد قذف را به همدیگر نسبت دهند، حد قذف برای هر کدام از آنها ثابت می‌شود مگر اینکه قذف آنها به صورت طرفینی باشد، یعنی هر کدام یکدیگر را قذف کنند، که در این حالت حد قذف ساقط شده و آنها به تعزیر محکوم خواهند شد. (ماده ۱۴۹ و ۱۶۲ ق.م.ا) ولی در فقه اسلامی قذف پدر نسبت به فرزند خویش با دلیل خاصی استثناء شده است. در کتاب وسائل الشیعه، در علت این حکم حدیثی از امام باقر(ع) آورده شده است:

محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر(ع) سوال کردم در مورد شخصی که به فرزندش نسبت زنا می‌دهد. امام فرمود: «اگر پدر فرزندش را بکشد قصاص نمی‌شود و اگر او را قذف کند حد نمی‌خورد.» (حر عاملی، پیشین، ص ۴۴۷) لازم به ذکر است که وجود قرابت بین پدر و جد پدری، قاذف و فرزند مقذوف فقط موثر در عدم شمول مجازات حد به آن است. (خمینی، ۱۳۶۸، صص ۲۰۹-۲۰۷) و همانطور که قبلاً بیان شد اگر پدر یا جد پدری فرزند خود را قذف نکنند بلکه دشنام دیگری به او بدهند که موجب اذیت و آزار فرزند شود، حکم آن تابع قواعد عمومی جرایم خواهد بود. در این حالت پدر یا جد پدری بودن عامل رافع مسئولیت در تعزیر ناشی از دشنام و اذیت و آزار حاصل از آن نمی‌باشد. اما به نظر می‌رسد که پدر یا جد پدری بودن همانطوری که عامل معافیت آنها از مجازات حد است، می‌تواند عاملی برای تخفیف مجازات تعزیری آنها نیز قرار گیرد. که به راستی معافیت پدر از مجازات حد یا دادن تخفیف بسیار در تعزیر برای او نظر به منزلت و لزوم احترام او، عین عدالت است.

#### ۱-۳-۳-۲- مبنای قانونی

قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۴۹ ق.م.ا بیان می‌کند که: «اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می‌شود.» یادآوری می‌شود که در حدود و احکام آن، قانون کیفری از نظر مشهور فقهای شیعه به صورت مطلق تبعیت کرده و کلیه قواعد آن مطابق با فقه شیعی است. بنابراین با توجه به دلایلی که در فقه برای معافیت پدر و جد پدری از مجازات بیان شد، همان دلایل، مستند قانون‌گذار برای تدوین تبصره ماده ۱۴۹ ق.م.ا می‌باشد. هم چنین لازم به ذکر است که فقهای شیعه و قانون کیفری، مادر را ملحق به پدر و جد پدری در این حکم نمی‌دانند و چنانچه مادر فرزند خویش را قذف کند، مشمول قواعد عمومی قذف خواهد بود و در صورت جمع بودن سایر شرایط، مادر به حد قذف محکوم می‌شود.

## ۱-۳-۴- حد قذف به ارث می رسد

## ۱-۳-۴-۱- مبانی شرعی و قانونی

قانون‌گذار در ماده ۱۶۳ ق.م.ا بیان می‌کند که «حد قذف اگر اجرا یا عفو نشود به وراثت منتقل می‌شود» بنابراین شرط انتقال آن به وراثت عدم اجرای آن توسط مقذوف و هم چنین عدم عفو قاذف توسط وی می‌باشد. باید توجه داشت که عفو قاذف ممکن است قبل از طرح شکایت یا بعد از آن باشد، بنابراین اگر مقذوف مبادرت به شکایت نکرده باشد، باز هم این حق به وارثان او منتقل خواهد شد. در فقه شیعه نیز نظر مشهور فقها دال بر ارث حق اجرای حد قذف توسط وراثت مقذوف است. فقها به یک روایت شرعی در استنباط این حکم استناد کرده‌اند. این روایت به قرار زیر است: امام صادق(ع) در مورد شخصی که به فرزندش می‌گوید تو فرزند مادر زنا کار هستی، فرمود: «چنانچه مادرش مرده باشد و وارث دیگری نداشته باشد، حد بر قاذف جاری نمی‌شود، اما اگر فرزندی از مرد دیگری داشته باشد آن فرزند ولی اوست و می‌تواند تقاضای حد قذف را نمایند و اگر چنین فرزندی هم نداشته باشد. بقیه اقوام می‌توانند تقاضای حد قذف را بنمایند.» (حر عاملی، پیشین، ص ۴۴۷)

انتقال حق مطالبه حد قذف حالت‌های مختلفی دارد. گاهی ممکن است قذف نسبت به مرده صورت گیرد. «در این حالت با توجه به مواد ۱۴۴ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۹۲ ق.م.ا قذف شونده چنانچه در قید حیات باشد با شکایت وی متهم قابل تعقیب است و مجازات می‌گردد. ولی در صورت فوت قذف شونده، ورثه وی شاکی خصوصی محسوب می‌گردد. نظریه شماره ۱۴۲۳ / ۷ - ۶۳/۳/۲۷ اداره حقوقی قوه قضائیه.» (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ص ۹۷)

حالت دیگر آن است که مقذوف در قید حیات باشد ولی قبل از آنکه اجرای حد را درخواست کند، فوت نماید. حالت سوم آن است که مقذوف طرح شکایت کرده و پرونده در حال رسیدگی باشد که مقذوف فوت می‌کند، یا اینکه حکم به محکومیت قاذف نیز صادر شده باشد ولی قبل از اجرای حد، مقذوف بمیرد، با توجه به ماده ۱۶۳ ق.م.ا در همه این موارد، حد قذف به وراثت منتقل می‌شود. لازم به ذکر است که از عموم ماده ۱۶۳ ق.م.ا زن و شوهر برابر ماده ۱۶۴ همان قانون استثناء شده است. یعنی زن و شوهر، وارث حق درخواست حد قذف، در صورت فوت یکی از آنها از یکدیگر نمی‌باشند. عمار ساباطی روایتی را از امام صادق(ع) در این زمینه به این شرح بیان می‌کند: «ارث حد قذف مانند ارث دیه و مال و زمین نیست اما هر یک از ورثه که آن را درخواست کند ولی آن است و هر کس که آن را درخواست نکند حقی به آن ندارد، مانند اینکه شخصی دیگری را قذف کند و مقذوف دارای دو برادر باشد. پس اگر یکی از آن دو برادر، عفو کند دیگری می‌تواند حد قذف را درخواست نماید، چون زنی که نسبت زنا به او داده شده است مادر هر دوی آنهاست و هر دو حق عفو دارند.» (حرعاملی، پیشین، ص ۳۳۴) باید توجه داشت که وجود قرابت بین پدر و فرزند در تدوین ماده ۱۵۰ ق.م.ا موثر بوده است. طبق این ماده «هرگاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد حد ثابت نمی‌شود. اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد حد ثابت می‌شود. در این حالت که همسر متوفی غیر از فرزند قاذف فرزند دیگری نداشته باشد حد قذف ساقط می‌شود به این دلیل است که حق مطالبه‌ی حد بر فرزند زن متوفی می‌باشد و چون فرزند نمی‌تواند اجرای حد را بر پدر تقاضا کند حد ساقط می‌شود ولی اگر فرزند دیگری غیر از فرزند آن مرد داشته باشد،

حد نسبت به قاذف که همسر زن متوفی است ثابت می‌شود به نظر می‌رسد طبق قسمت اول ماده ۱۵۰ ق.م.ا مجازات تعزیری نیز ساقط می‌شود چون علاوه بر اینکه درخواست مجازات تعزیری نسبت به پدر از طرف فرزند محل تردید است، اعمال آن نیاز به نص قانونی دارد. در حالیکه ماده فوق از سقوط مجازات حدی سخن می‌گوید و در مورد تعزیر پدر یا جد پدری ساکت است. اگر مادری شوهر متوفی خود را قذف کند و فرزند از آن مرد داشته باشد، فرزند می‌تواند تقاضای اجرای حد قذف نسبت به مادر را بنماید.

### ۱-۳-۵- اثر قرابت در مجازات قذف

با توجه به مطالب فوق به روشنی فهمیده می‌شود که در مجازات حد قذف، وجود قرابت بین پدر و جد پدری و فرزند، به عنوان عامل معافیت آن‌ها از تحمل مجازات قذف خود نمایی می‌کند که ریشه در منزلت و شأن پدر و لزوم تکریم و احترام او در دین مبین اسلام و روایات گوناگون دارد. بنابراین قرابت در مسئولیت کیفری شخص در جرم قذف نیز موثر، بلکه موجب معافیت مرتکب از مجازات است. (شیروانی، پیشین، ص ۱۲۳)

### نتیجه گیری:

در روند تحقیق ماهیت قرابت که یک امر مدنی بوده و یکی از عناصر حقوق مدنی به شمار می‌رود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نهایتاً این نتیجه عارض شد که این عنصر با حفظ ماهیت مدنی خود نه تنها در حقوق جزای شکلی بلکه در حقوق جزای ماهوی و عناصر مادی و قانونی موضوعات حقوق جزا و مجازات هر یک از جرایم مؤثر است.

قرابت گاه در حقوق جزای شکلی مانع اعمال اختیارات عمومی دادستان می‌گردد و آنان را از اعمال اختیارات قانونی که در سایر موارد قادر به اعمال آن هستند منع می‌نماید و گاه نیز خود منبعی برای ایجاد حق پیگیری و تعقیب دعاوی در موارد اعاده دادرسی می‌گردد و جهت جلوگیری از اثرات منفی امر جزایی در ارتباط با خویشاوندان به آن‌ها اجازه می‌دهد تا موضوعی را که اصولاً نسبت به آن ذینفع نمی‌باشند، و خارج از محدوده و حیطه اختیارات آن‌هاست، پیگیری و تعقیب نمایند. و اقدامات لازم را در تأمین حقوق خود و پیشگیری از عواقب امر جزایی نسبت به خود به عمل آورند.

اثر قرابت در جرائم منصوص که شامل (حدود و قصاص و دیات) هستند و جرایم غیر منصوص یا تغزیرات، بیان کردیم که قرابت نقشی خاص و متفاوت در هر یک از آن‌ها ایفا کرده و از لحاظ میزان مجازات و هم چنین از نظر حیطه و دامنه شمول اقارب این جرائم را متأثر می‌سازد.

هم‌چنین با ریشه یابی فقهی و مطالعه تطبیقی با آن بیان کردیم که برعکس جرایم فوق، قرابت در جرم زنا نقشی متفاوت از موارد قبلی دارد. در این جرم اثر قرابت به صورت عامل مشدده ظهور پیدا می‌کند در حالیکه مجازات ارتکاب چنین جرمی میان سایر افراد به غیر از اقارب مشخص شده در قانون غیر از قتل و حسب مورد (جلد، و غیره) است. اثر مشدده قرابت بین مرتکبین سبب می‌شود که احکام رجم و جلد در میان اقارب مشمول ماده ۸۲ ق.م.ا یعنی (زنای با محارم نسبی و زن پدر) جاری نگردد. و ارتکاب چنین فعلی با چنین اقاربی صرفاً مشمول مجازات قتل دانسته شود که در این صورت فرقی میان پیر و جوان و محصن و غیر محصن نیست.

## منابع و مأخذ:

- ۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۳۷۶
- ۲- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحصیل دارالاحیاء التراث العربی، بی تا
- ۳- موسوی خمینی (ره)، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، انتشارات دارالعلم، چاپ دوم، بی تا
- ۴- موسوی خمینی (ره)، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۴، ترجمه علی امامی، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸
- ۵- زارعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش حدود)، ج اول، انتشارات ققنوس، چاپ اول پاییز ۱۳۸۰
- ۶- زارعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش حدود)، جلد دوم، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۰
- ۷- شیروانی، علی، ترجمه و تبیین شرح لمعه، ج ۱۳، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶
- ۸- شیروانی، علی، ترجمه و تبیین شرح لمعه، ج ۱۴، انتشارات دارالعلم، چاپ پنجم، ۱۳۸۴
- ۹- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، چاپ ششم، ۱۳۸۴
- ۱۰- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ شانزدهم، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۹۰
- ۱۱- فتحی بهنسی، احمد، مدخل الفقه الجنائی الاسلامی، بیروت، دارالشروق، ۱۹۸۰ م.
- ۱۲- محمدی گیلانی، محمد، حقوق کیفری در اسلام، تهران، انتشارات المهدی، ۱۳۶۱
- ۱۳- موسوی خمینی (ره)، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۴، ترجمه علی امامی، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸
- ۱۴- میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ هیجدهم، زمستان ۱۳۸۶